

نقد ابهامات رسیدگی به تخلفات اعضا، کارکنان و قضات شورای حل اختلاف

حمیدرضا حق پناهان وکیل دادگستری - درج شده در مجله قانون وکلا بهار ۱۳۹۴

## چکیده

مواد مربوط به تبیین تخلفات اعضا، کارکنان و قضات شورای حل اختلاف و میزان و نوع و کیفیت مجازات و نحوه رسیدگی به آن، در لایحه اصلاح قانون شورای حل اختلاف که پس از گذشت ۱۵ سال اجرای آزمایشی تقریباً بدون تغییر برای تصویب دایمی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، نگارنده را بر آن داشت تا با تبیین ابهامات موجود، امید رفع ایرادات را، داشته باشد.

## تاریخچه اجمالی شورای حل اختلاف

شورای حل اختلاف ابتدا در ماده ۱۸۹<sup>۱</sup> از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ تشکیل گردید و وظیفه تهیه و تنظیم آیین نامه، صلاحیت، سازکار تشکیلاتی و... آن به عهده هیات وزیران قرار گرفت و متعاقباً، آیین نامه مذکور طی ۲۳ ماده به تصویب هیات وزیران رسیده<sup>۲</sup> و با موافقت ریاست محترم قوه قضاییه عملاً از تاریخ ۱۳۸۱/۰۵/۱۹ به اجرا گذاشته شد و از آنجاییکه آیین نامه تصویبی هیات وزیران دارای نواقص زیادی بود، ریاست محترم وقت قوه، مبادرت به ابلاغ بخشنامه ای مفصل با عنوان "دستورالعمل جامع ساماندهی شوراهای حل اختلاف"<sup>۳</sup> در ۱۴۲ ماده و ۵۳ تبصره نمود، که از تاریخ ۱۳۸۶/۹/۲۴ برای کلیه سطوح قوه قضاییه، دادگستریها و ضابطین قضایی لازم الاجرا<sup>۴</sup> می گردد و البته در مبحث ۱۷ آن دستور العمل، به طور مفصل تخلفات، مجازات و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضا، دبیران و مشاورین را طی ۲۴ ماده مطرح شده بود.

ماده ۱۸۹ عیناً به موجب ماده ۱۳۴<sup>۵</sup> از قانون برنامه پنجساله چهارم مورد تنفیذ قرار می گیرد، تا اینکه نهایتاً با گسترش شعب و صلاحیت شوراهای حل اختلاف، مجلس به موجب اصل ۸۵ از قانون اساسی مبادرت به تصویب قانون شورای حل اختلاف<sup>۶</sup> برای یک دوره آزمایشی ۵ ساله از تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ می نماید و عملاً جزئیات تشکیلاتی و

<sup>۱</sup> ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷): به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار میشود. حدود وظایف و اختیارات این شوراهای، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیات وزیران و به تایید رئیس قوه قضاییه مس

رسد

<sup>۲</sup> نقل از روزنامه رسمی ۱۳۸۱/۶/۵-۱۶۷۴۷

<sup>۳</sup> مصوبه ۱۳۸۶/۹/۲۴ رئیس قوه قضاییه

<sup>۴</sup> ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱): ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ و اصلاحیه های آن برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

تتفیذ می شود

<sup>۵</sup> نقل از روزنامه رسمی ۱۳۸۷/۶/۷-۱۸۴۹۵ روزنامه رسمی

صلاحیت شوراها را طی ۵۱ ماده و ده تبصره قانونمند می کند و متعاقبا آیین نامه<sup>۶</sup> مربوطه با ۵۲ ماده و ۱۱ تبصره به پیشنهاد وزیر دادگستری طرح و در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۶ به تایید ریاست قوه قضاییه می رسد، لیکن متاسفانه در این قانون به صورت مجمل و مبهم به موارد تخلف، نحوه رسیدگی و مجازات آنها اشاره شده و در آیین نامه اجرایی این قانون هم صرفا یک ماده به این موضوع اختصاص یافته است. با پایان یافتن دوره آزمایشی قانون، لایحه ای با عنوان "اصلاح قانون شورای حل اختلاف" تقدیم مجلس گردید که در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۳۰ توسط هیات رییس مجلس نهم اعلام وصول شد.<sup>۷</sup> لیکن متاسفانه مواد مرتبط با تخلفات اعضای شورا، تقریبا بدون تغییر نسبت به قانون آزمایشی، جهت تصویب ارایه شده است.

این مقاله در صدد بیان ابهامات موجود در مبحث تخلفات کارکنان، اعضای قاضی شورای حل اختلاف بوده و نگارنده امیدوار است با طرح و برجسته ساختن این ابهامات و نقصان ها، توجه اعضای خانه ملت را به این موارد جلب نموده تا راهکارهایی برای حل آنها در قانون، پیش بینی شده و از این طریق سبب بهبود عملکرد شوراها گردند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می شود که بنابر اعلام معاون قضایی قوه قضاییه در شورا<sup>۸</sup> در ۱۱ ماهه ابتدایی سال ۹۳ تعداد ۳.۱۵۷.۰۷۲ پرونده وارده شورا بوده و تعداد ۳.۱۴۹.۶۳۱ فقره مختومه شده است.

در قانون فعلی مواد ۳۸ الی ۴۳ به تخلف، نحوه رسیدگی و مجازات آن اختصاص پیدا کرده است که هریک مورد واکاوی قرار می گیرد.

الف) تخلفات اعضای شوراها حل اختلاف: مقنن در ماده ۳۸<sup>۹</sup> از قانون شوراها حل اختلاف از تخلف در هنگام انجام وظیفه سخن گفته است، در خصوص این ماده، موارد ذیل قابل توجه است:

اولا برای رسیدگی به تخلف، ابتدا لازم است که قانونگذار، موارد تخلف را توضیح داده و مصادیق آنها را حصرا یا تمثیلا بیان نماید یا آنکه حداقل صراحتا به قانون خاص دیگر جهت روشن شدن موضوع ارجاع دهد، لیکن متاسفانه نه در قانون و نه در لایحه پیشنهادی، از تخلف و مصادیق رفتار متخلفانه، هیچ صحبتی به میان نیامده است، تنها شاید از ترکیب هیات رسیدگی کننده به تخلفات، مندرج در ماده ۳۹ قانون مذکور، بتوان تاحدودی به ماهیت تخلف پی برد که البته در جای خود این موضوع مفصلا مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در این صورت به نظر می رسد، تمامی

<sup>۶</sup> نقل از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۱/۲۳-۱۸۶۷۰ روزنامه رسمی

<sup>۷</sup> نقل از سایت اطلاع رسانی مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی

<sup>۸</sup> مصاحبه مطبوعاتی حجت الاسلام احمد میانجی نقل از روابط عمومی مرکز شورای حل اختلاف کشور، کد خبر ۲۱۱۴۱۱ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۳

<sup>۹</sup> ماده ۳۸: چنانچه اعضای شورا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط عضویت در شورا را از دست بدهند، رئیس حوزه قضایی مراتب را مستندا جهت رسیدگی به هیات تخلفات اعضاء شورا اعلام می کند

بندهای ۲۸ گانه ماده ۸ قانون تخلفات اداری<sup>۱۰</sup> و تمامی بندهای ۲۹ گانه مواد ۱۴ الی ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات<sup>۱۱</sup> را در بر گیرد، لیکن با این تفسیر نیز ایرادات متعدد این ماده ۲۸ به شرح ذیل همچنان باقی خواهد بود:

۱- به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی<sup>۱۲</sup> همچنین به موجب قاعده فقهی قبح عقاب بلا بیان و تفسیر مضیق قوانین کیفری تنها زمانی رفتاری را مورد مجازات قرار داد، که ابتدا آن رفتار به عنوان عمل مجرمانه توسط قانون گذار شناسایی شده و تطبیق رفتار با قانون از پیش تصویب شده و توسط مرجع صالح بررسی شده باشد

۲- این ماده و ماده ۴۲ تنها تخلفات، اعضا و قاضی شورا را بیان کرده و تخلفات سایر کارکنان شورا که در ماده ۴۵<sup>۱۳</sup> آیین نامه فعلی آمده است را در بر نمی گیرد.

۳- تنها تخلفات صراحتاً شناسایی شده در ماده ۲۸ تخلف عدم حضور و یا مناسب نبودن مشارکت عضو شورا، در شورا است و مجازات شناسایی شده این تخلف در ماده ۴۱<sup>۱۴</sup>، عزل عضو شورا است.

۴- به موجب ماده ۳۵<sup>۱۵</sup> قانون عضویت در شورا افتخاری است و لذا تنها فردی را که هیچ احساس مسئولیتی نسبت به حقوق الناس ندارد، می شود عزل کرد، همچنین این مجازات برای اتفاقاتی که موجب از بین رفتن شرایط عضویت اعضا در شورا است و در ماده ۶ قانون شورا حل اختلاف پیش بینی شده هم اعمال میگردد، بطور مثال به موجب بند (ح) ماده اخیر الذکر تغییر در وضعیت تاهل وی صورت پذیرد، هیات رسیدگی به تخلفات تشکیل میگردد و مرتکب را به جهت از دست دادن شرط تاهل، عزل می کند، اما این هیات بلند مرتبه قضایی، بواسطه فقدان نص قانونی، حق رسیدگی به جعل و یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی در خصوص عضو ندارد.

۵- در یک رسیدگی عادلانه، شخصیت شاکی باید در قانون شناخته شده باشد، لیکن متأسفانه در این قانون، فقط رییس حوزه قضایی قادر و البته مکلف به اعلام تخلف به هیات رسیدگی به تخلفات اعضای شورا است، به عبارت دیگر اگر هر یک از مراجعین به عملکرد اعضای شورا اعتراضی داشته باشد، قانونگذار حق

<sup>۱۰</sup> قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲

<sup>۱۱</sup> قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷

<sup>۱۲</sup> اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد

<sup>۱۳</sup> ماده ۴۵ آیین نامه شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶ رئیس قوه قضاییه: پاداش ان دسته از اعضا، دبیران و سایر کارکنان شورا ها که از کارکنان مامور به خدمت ادارات دولتی یا قوه قضاییه نیستند با لحاظ حجم کمی و کیفی پرونده های رسیدگی شده، ساعات اشتغال، وضعیت محل خدمت و سایر عوامل موثر به موجب دستور العملی خواهد بود که به پیشنهاد مرکز امور شوراها و تایید وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه میرسد

<sup>۱۴</sup> ماده ۴۱ قانون شورای حل اختلاف: چنانچه هیات رسیدگی کننده پس از دعوت از عضو شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی فقدان یکی از شرایط عضویت یا غیبت غیر مجاز او را احراز نماید، حکم عزل وی را صادر میکند، این حکم قطعی است

<sup>۱۵</sup> ماده ۳۵ قانون شورای حل اختلاف: عضویت در شورا افتخاری است. لیکن قوه قضاییه به تناسب فعالیت و میزان همکاری قضات، اعضا و کارکنان شورا، پاداش مناسب پرداخت می نماید.

اعتراض و شکایت را برای متداعیین به رسمیت نشناخته است و تنها راه معترض، تمسک به رئیس حوزه قضایی است که وی را متعاقد کند، از اختیاراتش برای اعلام تخلف عضو شورا، آن هم در موارد احصاشده استفاده نماید برای مثال به موجب بند ط از ماده ۶ قانون شوراهای حل اختلاف، شاکی مدارکی در اختیار رئیس حوزه قضایی قرار دهد که ثابت نماید، سکونت عضو شورا در محل شورا دیگر تداوم ندارد.

ب) هیات رسیدگی کننده به تخلفات اعضای شورا:

۶- مواد ۱۶۳۹ و ۴۱ قانون شورا که جهت تبیین هیات رسیدگی کننده به تخلفات صورت گرفته از سوی اعضا و قاضی شورا وضع شده است، خود ایهامات اساسی دارد که در ادامه و بشرح آتی بررسی خواهد شد، اما آنچه بی تردید از همان ابتدا مورد توجه قرار می گیرد، ترکیب هیات رسیدگی کننده به تخلفات است که بنظر نمی رسد هیچگاه تشکیل گردد؛ ریاست شورای حل اختلاف استان و مسئول حفاظت و اطلاعات استان که معمولا در استان های مربوطه مستقرند، لیکن در ترکیب هیات موضوع بحث، نماینده ای از دادسرای انتظامی قضات نیز پیش بینی شده است که علی القاعده در تهران مشغول است و برای تشکیل هیات باید به تمامی استانها فرستاده شود.

۶-۱- مستفاد از مواد ۴ و ۸ قانون نظارت بر رفتار قضات، دادسرای انتظامی قضات، در تهران و در معیت دادگاه عالی انتظامی مستقر است و اگر تنها در یک درصد از پرونده های مطروحه در شورای حل اختلاف، از سوی رئیس حوزه قضایی اعلام تخلف صورت گرفته و لذا هیات تخلفات مکلف به رسیدگی گردد، این هیات ها باید قریب به ۲۲۰۰۰ پرونده تخلف را رسیدگی کنند و در این صورت بنظر می رسد، باید نظر به تعدد پرونده های ارجاعی، شعبه ای دائمی و تمام وقت هیات، با نماینده ای از دادسرا انتظامی قضات، در هر استان تشکیل گردد.

۶-۲- فارغ از تشکیل یا عدم امکان عملی تشکیل چنین هیاتی، چرا باید به تخلف عضو شورا که تنها مسئولیت برقراری صلح و سازش را بر عهده داشته و جز در ماده ۲۶<sup>۱۷</sup> قانون شوراهای حل اختلاف، تنها نظر قاضی شورا ملاک عمل است، نماینده دادسرای انتظامی قضات نظر دهد؟ به بیان دیگر برای مثال چرا به عدم تاهل، عدم حضور و مشارکت نامناسب عضو شورا که به طور افتخاری با شورا همکاری می کند، چنین هیات بلند پایه قضایی نظر دهد؟

<sup>۱۶</sup> ماده ۳۹ قانون شورای حل اختلاف: هیات رسیدگی کننده به تخلفات مرکب از نماینده ای از سوی دادسرا انتظامی قضات رئیس شورای حل

اختلاف استان و مسئول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان خواهد بود

<sup>۱۷</sup> ماده ۲۶ قانون شورای حل اختلاف: در صورت عدم حصول سازش، چنانچه موضوع مطابق ماده ۱۲ در صلاحیت شورا باشد قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء شورا و اخذ نظریه کتبی آنها رای مقتضی صادر می کند و در این صورت تنها نظر قاضی ملاک اخذ تصمیم و صدور رای است. نظر اعضاء شورا و مستندات باید ثبت و در پرونده منعکس شود.

۳-۶- در انتهای ماده ۴۱، رای هیات موضوع بحث قطعی اعلام شده است که البته به نظر می‌رسد با عنایت به بند ۲ از ماده ۱۰<sup>۱۸</sup> قانون دیوان عدالت اداری قابل اعتراض و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری باشد، حال آنکه بر اساس ماده ۴۲ قانون شوراهای حل اختلاف اگر هیات در خصوص قاضی شورا، تخلف قضایی را مستند به قانون نظارت بر رفتار قضایی و نه به قانون شورا تشخیص دهد این رای قابل رسیدگی در دیوان عدالت است و اگر در این فرض دیوان عدالت دستور موقت صادر کند و مانع ارجاع پرونده به دادسرای انتظامی گردد و یا اساساً رای هیات را نقض نماید آیا شعبه هم عرضی اساساً وجود دارد که رسیدگی مجدد نماید و دیگر اینکه آیا دیوان صلاحیت ذاتی رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات را دارد و یا اینکه باید صلاحیت دیوان را محدود به تخلفات اداری قلمداد کنیم و ما بین آرای تخلفات اداری اعضای شورا و تخلفات قضایی قاضی قایل به تفکیک باشیم که هم در قانون و هم در اجرا باعث سر در گمی شاکی خصوصی، محکوم علیه و شورا بعنوان سازمان متبوعی که عضو شورا در آن کار می‌کند، می‌گردد.

۷- به نظر می‌رسد قانونگذار در تنظیم ماده ۴۰<sup>۱۹</sup> قانون شوراهای حل اختلاف، دچار لغزش شده است؛ در ماده ۳۹ همان قانون، اعضای هیات رسیدگی به تخلفات با ذکر عنوان صراحتاً معرفی شده‌اند و بعد در ماده ۴۰، قانونگذار فردی را به رسمیت می‌شناسد که رئیس قوه قضاییه به او ابلاغ دهد، به غیر از نماینده دادسرا که هر یک از اعضای دادسرای انتظامی قضات می‌تواند باشد و می‌بایست تعیین گردد، دو عضو دیگر هیات قبلاً سمت خود را از رئیس قوه قضاییه اخذ نموده‌اند و لذا ابلاغ مجدد زائد است، به ویژه مشکل زمانی نمود بیشتر می‌یابد، که فرضاً عضو هیات، زودتر از سه سال به هر علتی، دیگر صاحب پست مندرج در ماده ۳۹ قانون نباشد، از طرفی وی از سمتش در هیات بواسطه فقدان پست منعزل است و از طرفی به حکم ماده ۴۰ و ابلاغ صادره از سوی رئیس قوه قضاییه قانون تا پایان سه سال جایگاهش در هیات ثابت است.

۸- در ماده ۴۲<sup>۲۰</sup> قانون شورا که صرفاً در خصوص رسیدگی به تخلفات قضایی قاضی شورا است، بازهم تمامی ایرادات ماده ۳۸ قانون شورا به چشم می‌خورد؛ یعنی نه تخلف معلوم شده، نه مجازات و نه شاکی خصوصی جایگاهی دارد، فقط رییس حوزه قضایی با علمی که منشا آن در قانون معلوم نیست، تخلف قاضی را کشف و احراز می‌کند و بعد برای رسیدگی به دادسرای انتظامی قضات ارسال می‌کند و

---

<sup>۱۸</sup> بند ۲ از ماده ۱۰ دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲: رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیات های رسیدگی کننده به تخلفات اداری و کمیسیون هایی مانند کمیسیون مالیاتی هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری منحصر از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها

<sup>۱۹</sup> ماده ۴۰ قانون شورای حل اختلاف: اعضای هیات رسیدگی کننده با ابلاغ رئیس قوه قضاییه، برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلا مانع است

<sup>۲۰</sup> ماده ۴۲ قانون شورای حل اختلاف: چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود مراتب توسط رییس حوزه قضایی یا هیات ماده ۴۰ این قانون به دادسرا انتظامی اعلام میشود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرائم قضات رسیدگی شود

مشخص نیست، آیا دادسرا در اینجا بصورت اداری وظیفه صدور کیفرخواست بنا به تشخیص رییس حوزه قضایی را دارد یا اینکه می تواند بصورت ماهوی هم وارد رسیدگی شود و احیانا نظر رییس حوزه قضایی را نپذیرد و در این صورت آیا قاضی مبری شده شورا، امکان طرح شکایت تهمت و افترا را علیه رییس حوزه قضایی دارد یا خیر؟

۹- بر اساس این ماده، همین اختیار رییس حوزه قضایی به هم آن هیات رسیدگی موضوع بحث، نیز تفویض شده است، البته با این تفاوت که در هیات، مرجع انتساب تخلف و مرجع تشخیص تخلف با یکدیگر متفاوت هستند و البته برای قاضی فرصت دفاع نیز در هیات وجود دارد، اما در این قسمت از ماده همچنان ابهاماتی باقی است، اولاً منشا اطلاع هیات از تخلف قاضی در هاله از ابهام است و ثانیاً اگر این هیات قاضی را متخلف تشخیص داد و پرونده را به دادسرای انتظامی قضات ارسال کرد، دادسرا وظیفه رسیدگی ماهوی دارد و یا اینکه چون احد از اعضای هیات، خود نماینده دادسرا است، دیگر احتیاجی به رسیدگی ماهوی نبوده و پرونده با صدور کیفرخواستی بر مبنای رای هیات رسیدگی کننده به تخلف، به دادگاه عالی قضات ارسال میگردد و ثالثاً رای قطعی هیات رسیدگی کننده به تخلف را می توان برابر بند ۲ از ماده ۱۰ از قانون دیوان عدالت اداری مورد اعتراض قرار داد، و در این صورت و به فرض وارد دانستن ایراد از سوی شعب دیوان عدالت، کدام شعبه هم عرض صالح به رسیدگی است.

۱۰- همچنین در قسمت آخر این ماده اشاره شده است در فرض احراز ارتکاب جرم توسط قاضی شورا نیز رییس حوزه قضایی یا هیات رسیدگی کننده به تخلفات وظیفه دارند مراتب را به دادسرا انتظامی قضات اعلام کنند که دقیقاً خلاف تبصره ماده ۲۴<sup>۲۱</sup> از قانون نظارت بر رفتار قضات است چرا که اساساً دادسرای انتظامی قضات صلاحیت رسیدگی به جرایم انجام گرفته توسط قضات را ندارد و دادسرا موظف است پرونده را به مرجع صالح ارسال کند و تنها می تواند به لحاظ انضباطی با قاضی متخلف برخورد کند و به عبارت دیگر رییس حوزه قضایی تلویحاً حق ارسال پرونده قاضی مجرم را به مرجع صالح ندارد.

(ج) مجازات

در ماده ۴۳<sup>۲۲</sup> تنها جرم برشمردن در قانون شوراها حل اختلاف برای اعضای شورا مطرح شده است که مجازات آن را نیز به ماده ۵۸۸ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ارجاع داده است، لیکن این ماده ۴۳ هم دارای ابهاماتی است:

<sup>۲۱</sup> تبصره ماده ۲۴ قانون نظارت بر رفتار قضات: چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزایی نیز داشته باشد مدارک مربوط جهت رسیدگی برای مراجع صالح قضایی ارسال میشود

<sup>۲۲</sup> چنانچه اعضای شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم خواهند شد

۱۱- فرض انجام سایر جرایم توسط اعضای شورا در قانون دیده نشده است، بنابراین به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی در خصوص قانونی بودن جرم و مجازات، نمی توان عضو را که فرضاً اسناد مضبوط در پرونده را معدوم نموده است به موجب ماده ۶۰۵ از قانون تعزیرات تحت تعقیب قرار داد و در حقیقت قانونگذار اجازه داده است فردی که به طور افتخاری با شورای حل اختلاف همکاری می کند توانایی هر تجاوزی نسبت به طرفین پرونده و سازمان متبوعش را داشته و مطمئن باشد از هر نوع تاوانی معاف است

۱۲- به موجب ماده ۲۵ از قانون شوراهای حل اختلاف، عضویت در شورا افتخاری است و مرجع تظلم خواهی از جرایم ارتكابی اعضای مبهم و مردد است؛ چرا که اگر عضو شورا را، کارمند شورا قلمداد کنیم، در نتیجه دادرسی امور کارکنان دولت، صالح به رسیدگی و تعقیب عضو می باشد و در غیر این صورت، دادرسی حوزه قضایی محل شورا صالح به رسیدگی می باشد.

در پایان و با عنایت به مراتبی ذکر شد، امید است این مقاله مورد امعان نظر حقوقدانان محترم و وکلای ملت به ویژه با توجه به شرایط حساس زمانی که در آستانه تصویب نهایی و دائمی قانون شورای حل اختلاف در صحن علنی مجلس هستیم، قرار گیرد تا ابهامات و ایرادات قانون فعلی بر طرف گردد.

#### نتیجه گیری

به موجب اصل چهارم<sup>۲۳</sup> از قانون اساسی که کلیه قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد و همچنین اصل هفتاد و یکم<sup>۲۴</sup> از قانون اساسی که مجلس رو موظف می کند در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند و بنابر بدیهات عرفی در تقنین قانون که مانع وضع قوانین متهاافت و مشابه در امری واحد میگردد و با عنایت به اینکه در آستانه ی تصویب دایمی قانون شورای حل اختلاف هستیم، عدم تعریف و تعیین مصادیق تخلف در سازمان اداری شورای حل اختلاف از طرفی خلاف اصل ۳۶ از قانون اساسی در مبحث قانونی بودن جرم و مجازات است و از طرفی با توجه به حساسیت زمانی که در آن هستیم، که توجه بیشتر به مسایل حقوق شهروندی، از جمله شناسایی حق دادخواهی شاکی خصوصی، با عنایت به اصل ۳۴ قانون اساسی را، می طلبد، رفع ایرادات موجود باعث ارتقای کیفیت قانون خواهد بود و تصویب قانون به شکل فعلی، به شرحی که در این مقاله گذشت، با توجه به کثرت پرونده های ارجاعی به شوراهای حل اختلاف، بی شک باعث نارضایتی کارکنان شورای حل اختلاف و مراجعه کنندگان به این نهاد میشود، بنابراین، مراتب زیر برای حل مشکلات موجود و رفع ایرادات و نواقص قانون شورای حل اختلاف در بخش تخلفات، پیشنهاد میگردد:

- ۱- تخلف کارکنان قضایی از کارکنان غیر قضایی متمایز شود.
- ۲- تخلفات، مجازات و نحوه رسیدگی به اعمال کارکنان قضایی به قانون نظارت بر رفتار قضات ارجاع شود.
- ۳- تخلفات، مجازات و نحوه رسیدگی به اعمال کارکنان غیرقضایی به قانون تخلفات اداری ارجاع شود.
- ۴- کلیه جرایم احتمالی کارکنان شورای حل اختلاف برابر قانون مجازات اسلامی در دادگاه های ویژه کارکنان دولت رسیدگی شود.

<sup>۲۳</sup> - اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

<sup>۲۴</sup> - اصل هفتاد و یکم قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی میتواند قانون وضع کند

- ۵- حق دادخواهی شاکی خصوصی به رسمیت شناخته شود.
- ۶- در صورت اصرار مقنن بر استفاده از خدمت همکاران افتخاری در شورای حل اختلاف، تخلف، نحوه رسیدگی و تعیین مجازات برای کارکنان و اعضای افتخاری ضابطه مند شود.